

تأثیر تصویر سیمرغ ساسانی بر روی هنر اسلامی، ییزانس و مسیحی

دکتر علیرضا طاهری*

استادیار دانشکده هنر، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۷/۸/۲۰، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۱۰/۷)

چکیده:

در این مقاله تأثیر سیمرغ ساسانی بر هنر اسلامی و غربی و همچنین مهاجرت این نقش به این سرزمین ها در طول دوران ساسانی و بعد از سقوط آنها بصورت اجمالی مورد بررسی قرار می گیرد. این انتقال بوسیله تبادل فرهنگی، تجاری و همچنین ارسال هدایای سلطنتی به کشورهای همجوار و دور دست صورت پذیرفته است. سیمرغ ساسانی با آنچه که در افسانه ها و ادبیات فارسی توصیف شده است، تفاوت دارد. ترکیب ساختاری بدن او قابل توجه است: عموماً دارای سر سگ (در برخی موارد سر شتر، شیر و عقاب)، بدن و پای شیر یا سگ، بال هایی از جنس پر شبیه بال عقاب و دم طاووس. تنوع شکل و حالت دم طاووس سیمرغ ساسانی اساس طبقه بندی این مقاله است. بر اساس تصاویری که ارائه شده چهار گروه اصلی وجود دارد که می تواند هر یک خود دارای زیر گروه هایی نیز باشد. آنچه که منتج می شود این است که کاربرد سیمرغ های گروه اول نسبت به سایر گروه ها زیادتر بوده که این موضوع دال بر محبوبیت و تأثیر گذاری بیشتر آنها نسبت به دیگر گروه ها است.

واژه های کلیدی:

سیمرغ، هنر ساسانی، هنر اسلامی، هنر غرب، طاووس.

مقدمه

تشخیص ظروف دوران ساسانی از مشابه های خود در اوایل دوران اسلامی مشکل است. این ظروف اغلب به عنوان هدایای سیاسی و یا همانند اشیاء تجاری نیز مورد استفاده قرار می گرفتند. در بعضی موارد نیز حتی بعد از چندین قرن از ساختشان به عنوان هدایای فاخر مبادله گردیده اند.

درخصوص پارچه ساسانی، تعداد زیادی از قطعات پارچه ابریشمی ساسانی به دلیل تجارت اشیاء متبرکه و مقدس در دوران جنگ های صلیبی (قرون یازدهم و دوازدهم میلادی) به غرب رسیدند. پارچه های گرانبهائی که استخوان های قدسین را می پوشاندند. از دوران ساسانی، ارزش پارچه های ایرانی بوسیله ارتباطات تجاری با کشورهای کرانه دریای مدیترانه شناخته شده بود. "کارگاه های بزرگ سلطنتی بعد از سقوط سلسله ساسانی متوقف شده بودند، ولی کارگاه های کوچک محلی و ایالتی که بتدریج شکوفا شده بودند تولید ظروف سیمین را با کپی کردن نقوش ساسانی ادامه دادند" (Les Perse Sassanides, 2006, 28).

انبارهای سوریه محصولات تولید داخلی، بغداد، موصل و نصیبین را دریافت می نمودند و سپس به همراه پارچه های ابریشمی سوری در قرون دوازدهم و سیزدهم میلادی صادر می کردند. "اسلام، که بسیاری از نقوش هندسی، هراالدیک، تجریدی و مجموعه ای از هیولاهای را به هنر رومی وار ارائه داده بود، تأثیرات خود را بر هنر غرب برجا گذاشت. ارتباط با شرق نه در قرن سیزدهم میلادی و نه بعد از آن هیچگاه قطع نگردید" (EBERSOLT, 1929, 25).

این ارتباط مستقیم بوسیله رفت و آمد در کرانه های مدیترانه بوسیله تجارت، زیارت و جنگ های صلیبی ادامه داشت (BALTRUSATIS, 1981, 73).

"مراکز اصلی تولید کننده پارچه مشخص هستند: از موصل، پارچه ابریشمی و طلائی (که بوسیله مارکوپولو شرح داده شده)، از بغداد بالداجیو (Baldacchio) پارچه ابریشمی تزیین شده بوسیله اشکال مجسمه ای کوچک (که در غرب تا انگلستان هم بسیار گسترش پیدا کرده بود) بوسیله هلاکوخان در قبیله اش استفاده شده و پس از تسخیر سوریه در آنجا نیز مورد استفاده قرار گرفت (DOUET D'ARCQ, 1851, 266).

و از دمشق، پارچه دمشقی با تزیینات بافته شده و تولید شده در پارس. ایرانیان در تولید پارچه ظریف ابریشمی تبحر تخصص داشتند. در یکی از تابلوهای مذهبی متعلق به برودرلام، (Broederlam)، نقاش قرن چهاردهم و پانزدهم میلادی، یکی از شخصیت های نقاشی، پارچه ای بسیار عالی و گرانبهائی پارسی با تزیینات فونیکس چینی بر تن دارد (تصویر ۱) (BALTARUSAITIS, 1981, 75).

هنر ساسانی هنری کاملاً سلطنتی است که در خدمت پادشاهان و اشراف زادگان است. موضوعات هنر ساسانی یک مجموعه گسترده و متنوعی از موجودات افسانه ای (هیبریداها) را عرضه می کند که در میان آنها سیمرخ ساسانی بسیار شاخص است. این موجودات افسانه ای به همراه اشکال و نقوش دیگر ساسانی وارد هنر اسلامی، بیزانس و مسیحی می شوند.

مهاجرت متیف های ساسانی

سیمرخ ساسانی بر روی بسیاری از اشیاء و مصنوعات هنری، پارچه ها و نقوش برجسته ظاهر می شود. تصاویر و نقوش تزیینی ساسانی در دنیای قرون وسطا، بویژه توسط پارچه های ساسانی، گسترش پیدا می نمایند.

در هنر اسلامی نیز نقوش ساسانی ظاهر می گردند، بویژه به دلیل دردست گرفتن و انتقال قدرت ساسانیان به امویان، که به آتلیه ها و کارگاه های محلی اجازه ادامه کار را دادند. ساسانیان، مسلماً تأثیر بسیار مهمی بر روی تمدن های هم عصر خویش و همچنین تمدن های بعدی بخصوص هنر اسلامی، بیزانس و قرون وسطا، از طریق دادوستدها و مبادله هایی که بین غرب، شرق و ایران صورت گرفته بود، گذاشتند. نقوش ساسانی پس از انقراض آن امپراطوری به حیات و گسترش تأثیرات خود ادامه دادند. بخشی از این تأثیرات بوسیله ارمنستان (که به نوبت توسط ساسانیان و بیزانسی ها تحت سیطره قرار گرفته بود) گذار کرده و وارد دنیای مسیحیت شده بود.

نباید نقش کشورهای مسلمان و عربی بویژه آنان که در کرانه شرقی دریای مدیترانه قرار داشتند مانند سوریه، اردن و یا مصر در جنوب را فراموش نمود.

"در دنیایی با ارتباطات فرهنگی تنگاتنگ از مدیترانه تا اقیانوس آرام، ایران به عنوان یک واسطه و میانجی مهم بین غرب و آسیا (شرق) مطرح بود که بر روی خاور دور و راه های بزرگ ادویه جات و ابریشم تسلط داشت. همچنین در طول دوران ساسانی، محصول ابریشم گرانبهائی، تأثیر بزرگی در خارج از مرزها گذاشت. تقلید و کپی کردن از ظروف نقره ای ادامه پیدا کرد و تا حداقل یک قرن پس از سقوط ساسانیان تولیدشان ادامه داشت" (Les Perse Sassanides, 2006, 18).

ظروف فلزی، بویژه سیمین، بدون شک یکی از شاخصه های بسیار مهم هنر ساسانی است. آبدان، گلدان و جام، با نقوش بسیار غنی، ظروف مجلل و با شکوه و پرتجمل ساسانی را تشکیل می دهند. سینی ها، مشهورترین و مهم ترین ظروف ساسانی به لحاظ گنجینه های نقوش و تصاویر هستند



تصویر ۱- پارچه ساسانی با نقوش فونیکس چینی، ملچپور برودرلام، ۱۳۹۸ میلادی، موزه هنرهای زیبا، دیژون.

ماخذ: (BALTARUSAITIS, 1981, 75)

صورت آدمیان است. فیل را به آسانی در رباید از این رو به "پادشاه مرغان" شهرت یافته است" (یاحقی، ۲۶۷، ۱۳۶۹).

در داستان های شاهنامه، سیمرغ ارتباط تنگاتنگی با پهلوان و قهرمان بزرگ، رستم دارد. در حقیقت او حامی و نگهبان رستم است (تصویر ۲). براساس برخی از متون قدیمی، سیمرغ کینه و دشمنی بزرگی با مارها دارد. در جایی زندگی می کند که آب فراوان وجود دارد. پره‌های وی دارای رنگ آمیزی به طیف رنگ های مسی است. او طبیعتاً "نیک" است و تماس با بال های او می تواند شفا بخش امراض و جراحات باشد.

این پرنده چنان قدیمی است که سه بار ویرانی زمین را دیده است. در طول این زمان، سیمرغ آنگونه پنداشته شده که دارای دانش و علوم همه دوره هاست. زمانی که سیمرغ به پرواز درمی آید، برگ های درخت زندگی به لرزه درمی آیند و سبب افتادن دانه ها و میوه های درختان می شود. این دانه ها در همه جای دنیا پخش می شوند و ریشه گونه‌هایی از گیاهان می شوند که هرگز قبلاً نمی‌زیسته‌اند و همه آلام انسانی را شفا و تسکین می دهند.

سیمرغ در درخت دانایی و آگاهی دانه دارد، جایی که او بال هایش را برای پراکندن دانه ها در همه جای دنیا، به هم می زند. در برخی قصه ها، سیمرغ افسانه ای، در خدمت پیام آوران الهی است و در اثر معروف صوفی نامی ایران، عطار نیشابوری، نویسنده داستان منطق الطیر، سیمرغ "پادشاه مرغان" است. می گویند که سیمرغ ۱۷۰۰ سال، قبل از خودسوزی خود در آتش می زید، و در نوشته قدیم تری، او را نامیرا و جاودانه می دانند که آشیانه ای در درخت دانایی دارد. این ویژگی و خصوصیت احیای مجدد و حیات دوباره و نامیرایی بسیار مشابه آنچه است که برای فونیکس در نظر گرفته شده است. به همین دلیل است که در بسیاری از مواقع، سیمرغ و فونیکس یکی شده و در شمار زیادی از نگاره های ایرانی سیمرغ ظاهر فونیکس چینی را دارد. از بعد از حمله مغولان و تأثیر هنر چینی بر هنر ایرانی، سیمرغ شکل فونیکس چینی را بخود می‌گیرد (تصویر ۳).

در خصوص ظروف سیمین و طلا کاری شده، می توان گفت که در مقایسه با دیگر کشورها، تأثیر ایران (بویژه بر روی هنر غرب) بیشتر از سوریه و مصر و یا سایر تمدن ها بوده است (GRABAR, 1967, 35-36).

در قرون اولیه اسلامی، نقوش ساسانی شروع به مهاجرت به هنر اسلامی نمودند: درخت زندگی، حیوانات تخیلی و اساطیری، اسب بالدار، گریفین، اژدها، فنکیس، حیوانات روبرو و پشت به پشت محصور شده در دایره ای از مرواریدها، صحنه های شکار و نبرد واقعی حیوانات و همچنین سیمرغ.

سیمرغ

سنمرو (Senmurv)، سن مورو (Sēnmurvv) در پهلوی سینا- مرو، (Sīna- Mrû) در پازند، پرنده ای افسانه ای و اساطیری است که نام آن از اوستا، "پرنده سائنا" (mərəyō saēnō)، مشتق شده است. سیمرغ ساسانی و سایر حیوانات تخیلی و حیوانات واقعی (در کنار دیگر نقوش تزیینی و استلیزه) بر روی ظروف، کاسه ها، آبدانها، حتی بر روی مهرهای استوانه ای وارد هنر بیژانس و قرون وسطا می شوند. جهت تزیین پارچه های ابریشمین (همانند سایر هنرهای ظریف و ریزه کاری شده ساسانی)، تصاویری از حیوانات واقعی یا افسانه ای مانند سیمرغ در کنار دیگر حیوانات به کرات استفاده شده است، حیواناتی مانند: قوچ، اردک با روبان شاهی (سمیل سلطنتی) در منقار، اسب بالدار، خروس و غیره (تصاویر ۲ و ۳).

بین سیمرغ ساسانی و سیمرغ توصیف شده در داستان ها، افسانه ها و ادبیات پارسی، بخصوص شاهنامه تفاوت زیادی وجود دارد. "سیمرغ در شاهنامه و اوستا و روایات پهلوی، موجودی خارق العاده و شگفت انگیز است. پره های گسترده اش به ابر فراخی می ماند که از آب کوهساران لبریز است. از هر طرف چهار بال دارد با رنگ های نیکو. منقارش چون منقار عقاب کلفت و صورتش چون



تصویر ۲- سیمرغ و زال، نگاره صفوی، شاهنامه. ماخذ: (Ebersolt, 1929,135)



تصویر ۳- فنیکس چینی، قرن هفدهم میلادی. ماخذ: (Bushell, 1910,97)

از سوی دیگر سیمرغ شبیه عنقا (Anqa) در ادبیات فولکوریک عرب است. عنقا همچنین مانند سیمرغ دانسته شده است؛ پرنده ای عظیم که قبل از آدم می زیسته است" (MODE, 1977, 270). عنقا همانند پرنده‌ای نر با صورت انسان است که باید با سیمرغ پارسی هم‌ردیف دانست" (STEPHENSON, 1928, 48).

با توجه به مطالب ذکر شده می توان اینچنین نتیجه گرفت که سیمرغ ارائه شده در داستان های اساطیری و ادبیات عامه پارسی بسیار شبیه فونیکس چینی، روک یا عنقا است تا سیمرغ ساسانی.

سیمرغ ساسانی

در هنر ساسانی، سیمرغ همانند یک موجود افسانه ای ترکیب شده از چندگونه حیوانی است: بطور سنتی، بدن و سر سگ، پنجه‌های شیر، دم طاووس. "سیمرغ که بذرها را می پراکند، پرنده غول پیکر افسانه ای ایرانی است که نماد اتحاد زمین، هوا (آسمان) و آب است" (MODE, 1977, 286).

این اعتقاد به اتحاد، ریشه در ترکیب بندی فیزیکی سیمرغ که مؤید توانائی های خارق العاده اوست دارد:

بدن و سر سگ، شیر (یا در برخی موارد دیگر چهارپایان) نماد زمین؛ بال های پرنده سمبل آسمان؛ پولک و فلس های ماهی پوشش بدن، نماد آب.

ترکیب بندی سیمرغ ساسانی

سیمرغ چنانچه گفته شد در بیشتر موارد دارای سر سگ و پاهای جلویی شیر و بدن پوشیده از فلس های ماهی، بال های پردار و دم طاووس. این تصویر به یکی از نقوش و طرح های بسیار محبوب تبدیل شده و به همین لحاظ بصورت متناوب و مکرر در انواع پارچه، سطوح فلزکاری و حتی برای تزیینات معماری در طاق بستان در غرب ایران (تصویر ۹) یا بر روی دیوار کلیسا در ارمنستان (تصویر ۱۰) بکار برده شده است. از نگاهی دیگر سیمرغ ساسانی، گونه ای از طاووس است با سر و پنجه های سگ یا شیر. به همین دلیل، این موجود را در بعضی متون "سیمرغ- طاووس" ذکر نموده اند و این اصطلاح مناسب سیمرغ ساسانی است. دم طاووس دارای شخصیت خاص خود و بسیار برجسته است. دم این پرنده در هنر بسیاری از تمدن ها دارای مفاهیم خاص خود است. طاووس در بسیاری از فرهنگ ها بهشت و پردیس، زندگی جاودانه و ابدی روح را نمادپردازی می کند. پره های رنگارنگ اش تنوع خلقت را بخاطر می آورد.

در اسلام، دم گسترده و باز شده طاووس، نماد کهکشان و عالم در مسیحیت سمبل آسمان پر ستاره است. در تصویرپردازی خاورمیانه، این حیوان با صد چشم (تصویر شده بر روی دمش) در دو سوی درخت زندگی نقش بسته، که فساد ناپذیری روح و ثنویت روح و روان انسان را نمادپردازی می نماید (تصویر ۶). این حیوان سمبل احیای مجدد، و رستاخیز (Resurrection) در هنر مسیحیت نیز می شود.

"پرنده ای اسطوره ای با پره های باز شده و زیبایی خیره کننده، که بعد از چند قرن زندگی، بر روی تلی از هیزم خودسوزی می کند و از خاکستر خود دوباره زاده می شود. در چین، فونیکس (فنگ - هوانگ، Feng-huang) دومین موجود از چهار حیوان تخیلی مقدس معنوی و روحی است که تین و یانگ^۱ را متحد و یکی می کند" (JULIEN, 1989, 290). انتشار اشکال و تصاویر چینی از میانه قرن سیزدهم میلادی در آسیا و اروپا شدت پیدا می کند. حدود سال ۱۲۶۵، هلاکو^۲ شماری از هنرمندان و مهندسين چینی را به همراه خود به ایران می آورد (BUSHELL, 1910, 92).

چین با تکنیک نقاشی استفاده از سایه روشن های غنی و همچنین نمایش چندین گونه موجود تخیلی مانند اژدهای کلاسیک و فونیکس تاثیر خود را بر هنر ایران می گذارد (BALTARUSAITIS, 1981, 179).



تصویر ۴ - سمت چپ، پارچه ابریشمین با نقش سیمرغ ساسانی، قرن ششم و هفتم میلادی.

ماخذ: (<http://www.simurgh-wikipedia.htm>)



تصویر ۵ - سمت راست، پارچه ابریشمین با نقوش سیمرغ ساسانی، بیزانس، قرن دهم میلادی.

ماخذ: (موزه ملی طراحی و هنر، نیویورک)

نزد ایرانیان قرون بعدی نیز، سیمرغ سمبل و نماد الوهیت و ملکوتی گردیده و در ادبیات فارسی با نام "هما" و در بین اعراب بنام روک معروف می گردد. "روک (RUKH, Rock) پرنده ای عظیم الجثه است و بدون شک سرچشمه ای پارسی دارد، در هندوستان می زیسته و دارای دو شاخ و چهار برآمدگی بر روی پشت می باشد" (MODE, 1977, 288).

به طرف بالا حجیم تر شده و تشکیل نیم دایره را می دهد. سطح دم بوسیله فرم های هندسی تکرار شونده پوشیده و تزیین شده است. این تصویر سیمرغ در دوره بیزانس کاملاً کپی و تقلید شده و بر روی یک قطعه پارچه ای بیزانسی (سه قرن پس از بافت آن در کارگاه های سلطنتی ساسانی) نقش بسته است (تصویر ۵)، که به عنوان یکی از مستندات تأثیر هنر ساسانی بر روی هنر بیزانس و مسیحی مورد توجه است. این مدل دم در بسیاری از نقوش سیمرغ ساسانی بکار برده شده است. مثال دیگری از آن، آبدانی نقره ای است که قسمتی از آن طلاکاری شده و سیمرغی را محصور در دایره نشان می دهد (تصویر ۷).

نکته قابل ملاحظه در طراحی این سیمرغ این است که فرم ظاهری آن کاملاً دایره ای نیست (با اینکه در درون دایره قرار گرفته است)، انتهای بدن وی یعنی جایی که دم آن قرار دارد کمی کشیده شده است. با این وجود، شیوه طراحی دم او در طبقه بندی گروه اول قرار دارد. این حالت برای چندین طرح سیمرغ دیگر نیز پیش آمده است و در بعضی از تصاویر دم طاووس از حالت فرم دایره ای خارج شده است. تأثیر این گروه از سیمرغ بسیار گسترده بوده، بنحوی که در بیشتر دنیای متمدن آن روز و پس از آن نیز دیده شده است حتی در هنر مسیحیت.



تصویر ۷- سیمرغ ساسانی، آبدان نقره ای با روکش طلا، ساسانی، قرن ششم میلادی، ارتفاع ۳۳ سانتیمتر، موزه ارمیتاژ. ماخذ: (پوپ، ۱۳۳۸، ۳۴۰)



تصویر ۸- لباس شاهی ساسانی با نقش سیمرغ، نقش برجسته، طاق بستان، قرن ششم میلادی. ماخذ: (پوپ، ۱۳۳۸، ۲۴۰)



تصویر ۶- نقش برجسته، مرمر، طاووس نماد حیات و زندگی، هاگیا صوفیا، قرن چهارم میلادی، موزه ازنیک. ماخذ: (Berti, 2000, 140)

تصاویر سیمرغ اغلب در درون حلقه یا دایره ای تزیینی (متشکل از متیف های متنوع) قرار گرفته که فرم دایره ای را به طراحی سیمرغ تحمیل می کند (تصویر ۷). نقوش تزیینی یا هندسی دارای قابلیت تکرار، حرکت دایره ای و پویایی را تشدید می کند که مفهوم نمادین عالم، زندگی و حیات است، ریتم را نیز القا می کند حرکتی که با شکل ساختاری سیمرغ هماهنگی و هارمونی دارد. با این وجود، طرح های دیگری نیز وجود دارد که نقش سیمرغ با آنکه درون دایره جا گرفته اند، ولی کمی از دایره بازتر هستند (تصویر ۸). این نمایش، تمثیلی است از الوهیت و نیروهای آسمانی که ارتباط نزدیک با شکل دایره دارد. چنانکه گفته شد سیمرغ ساسانی از عموماً از سه حیوان سگ، شیر و پرنده تشکیل شده است از میان آنها آنچه توجه ما را جلب می کند حالت و شکل های گوناگون دم طاووس سیمرغ است.

دم طاووس سیمرغ

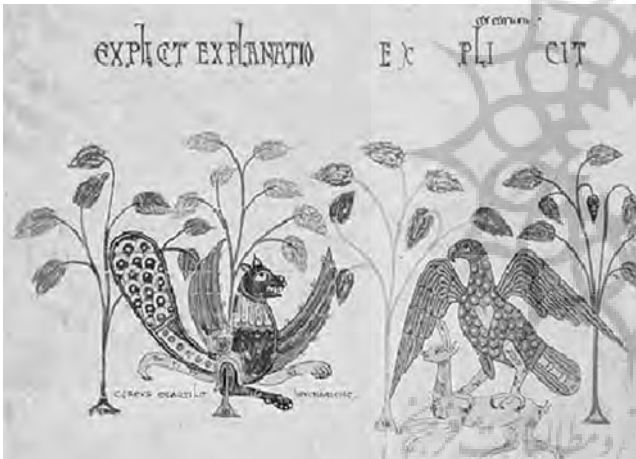
دم طاووس سیمرغ ساسانی با طرح های گوناگونی بتصویر کشیده شده است. شیوه های مختلف و متمایزی در طراحی آنها وجود دارد که هرکدام به عنوان یک مدل و الگوی اصلی برای نسل های بعدی هنرمندان قرار می گیرد. سیمرغ ساسانی را می توان براساس همین تنوع شخصیت پردازی دم ها به چند گروه اصلی تقسیم بندی نمود:

گروه اول

یکی از نمونه های انتخابی این گروه، دم طاووس سیمرغی است که بر روی پارچه ابریشمی ساسانی نقش بسته است (تصویر ۴). ترکیب بندی این تصویر، بصورت کلاسیک، از سر سگ، بدن و پنجه های شیر، بال های شبیه عقاب و دم طاووس تشکیل شده است. دمش همانند حجمی اشباع شده از نقوش هندسی ترسیم و از پایین

میان انبوهی از نقوش گیاهی را به معرض نمایش گذاشته است که دم او به شیوه خاص ساسانی طراحی شده است (تصویر ۱۲). نقش طاووس های مقابل هم با دم هائی جمع شده بطرف بالا و در وضعیت نیم دایره ای بر روی پارچه ای از جنس ابریشم مربوط به عصر سلطنت مرابطون، نیمه اول قرن دوازدهم میلادی (اندلس-اسپانیا) نیز دیده می شود که از دیر سن ژوناس بدست آمده است (تصویر ۱۳).

این پارچه یکی دیگر از نشانه ها و دلایل مهاجرت و تأثیر نقش دم سیمرغ ساسانی، بر روی هنر اسلامی است که بنوبه خود به جنوب غربی اروپا یعنی اسپانیا نیز مهاجرت نموده است. در گوشه دیگر از اروپا، یعنی در جنوب ایتالیا، یک بوق شاخی شکل از جنس عاج فیل وجود دارد که به لحاظ وجود نقوش از غنای قابل توجهی برخوردار است و نقوش متفاوت تزیینی حیوانی و گیاهی تمام سطح آن را پوشانیده است. در میان انبوهی از نقوش، طاووسی با دم برگشته به بالا ترسیم شده است که دم سیمرغ ساسانی را تداعی می نماید.



تصویر ۱۰- سیمرغ ساسانی و عقابی در حال شکار گزال، تصویر سازی دست نوشته مسیحی. ماخذ: (Beatus de Liebana, 2003, 218)



تصویر ۱۱- تصویر سازی، بناتوس دو لیابانا، بناتوس سن سور، ۱۰۶۰ میلادی. ماخذ: (Beatus de Liebana, 2003, 218)



تصویر ۹- نقاشی دیواری با تصاویر سیمرغ ساسانی، کلیسای ارمنستان. ماخذ: (<http://www.Artarmenien.fr>)

کلیسای ارمنی، این سیمرغ را برای دکوراسیون دیواره داخلی خود به عنوان نقاشی دیواری کپی نموده و مورد استفاده قرار می دهد. چهار سیمرغ ساسانی (یک نقش سیمرغ تکرار شده)، هر کدام بوسیله یک دایره تزیینی محصور شده است (شیوه کاملاً ساسانی) (تصویر ۹). نقوش سیمرغ روی دیوار کلیسا، بصورت دودو، در وضعیت و حالت مقابله هم و قرار گرفته بر روی یکدیگر، ترسیم گردیده اند. هر چهار سیمرغ در واقع یک نقش هستند که تکرار شده اند.

هنرمندان مومن مسیحی (تصویرگر دستنوشته های مذهبی و دینی و یا نگاره های مسیحی) از نقوش شرقی بسیار بهره برده اند. در بعضی موارد، آنها را بدون تغییر و مانند نقش اصلی و در برخی دیگر با تغییراتی در فرم و شکل جهت مطابقت با سلیقه خود و یا متون کلیسایی، مورد استفاده قرار داده اند. در یکی از این تصاویر، دو صحنه تصویر شده، کاملاً کپی شده ساسانی هستند: عقابی در حال شکار و بلند کردن یک گزال و در سوی دیگر سیمرغ ساسانی (تصویر ۱۰). این سیمرغ بدون شک یک کپی منحصر بفرد از سیمرغ ساسانی است که قابل مقایسه با تصاویر ۷ و ۸ می باشد.

این پراکندگی و گستردگی تصاویر سیمرغ ساسانی خصوصاً شکل خاص دم طاووس برگشته آن، در هنر مذهبی غرب تا اسپانیا نیز ادامه پیدا می کند. در جریان این تأثیرات نقش پارچه های ساسانی بسیار حائز اهمیت است.

چند صفحه از مجموعه کتاب (مذهبی) بناتوس دو لیابانا (Béatus de Liébana)، گونه ای از نقوش طاووس نمادین را ارائه می کند که دارای دم شبیه و قابل مقایسه با دم طاووس سیمرغ ساسانی هستند (تصویر ۱۱).

در نمادپردازی و داستان های تمثیلی مسیحی، نبرد میان نیروهای "خیر" و "شر" منجر به پیروزی نهایی نیروهای الهی و ملکوتی بر شیطان، در آخرالزمان می شود و این موضوع در هنر مسیحی تجسم یافته است. طاووس تجسم و نماد مسیح است که بر مار نماد شیطان و شر پیروز خواهد شد. پرنده بناتوس شبیه طاووسی با دمی جمع شده بسوی بالا یعنی به شیوه آثار طلاکاری و سیمین و پارچه های ابریشمی ساسانی ترسیم شده است.

این شیوه در هنر اسلامی نیز رواج پیدا کرد. یک قاب که در موزه هنرهای اسلامی قاهره نگهداری می شود، دو طاووس مقابل هم در



تصویر ۱۲ - قاب با نقش طاووس های مقابل هم، مرمر، کاخ غربی، مصر، قرن دهم و یازدهم میلادی، موزه هنرهای اسلامی قاهره.
ماخذ: (Cassous, 1977, 203)



تصویر ۱۴ - پارچه ابریشمی با نقش دو سیمرغ- طاووس مقابل هم، قرار گرفته در دایره تزیینی، آستانه، قزاقستان، کپی ساسانی.
ماخذ: (http://www.NationalMuseum, NewDelhi, Aurel Stein Collection Astana htm)



تصویر ۱۳ - پارچه ابریشمین با نقوش طاووس مقابل هم، اندلس، اسپانیا، عصر مابطن، نیمه اول قرن دوازدهم میلادی.
ماخذ: (Cassous, 1977, 203)

در آستانه (قزاقستان) نیز پارچه ای بدست آمده که دو طاووس در مقابل هم (روبرو) در داخل دایره ای ترکیب شده از نقوش انتزاعی قرار گرفته اند. که فرم تزیینات و دم های طاووس نیز شبیه نوع ساسانی است (تصویر ۱۴).

در ایران در دوران بعد از ساسانی (قرون اولیه اسلام) و در قرن دهم میلادی، یک سینی هشت گوش نقره ای طلاکاری شده به لحاظ نمایش نقوش سیمرغ بسیار ارزشمند است (تصویر ۱۵).

مرکز سینی اختصاص به نقش سیمرغی دارد که بزرگتر از سایرین بوده و نگاه بیننده را به خود جذب می کند. سیمرغ به روش سنتی ساسانی، در داخل دایره ای محصور شده که خود این دایره نیز بوسیله دوایر کوچک دیگر احاطه شده است. در داخل آنها نیز بصورت یک در میان نقش گیاهی بومی و سیمرغ قرار گرفته است که دم طاووس به چهار سطح تقسیم شده که بصورت یک در میان نقوش پر مانند و سطوح کوچک آن را تزیین نموده اند و در انتها نیز به یک سطح تیز (فلش مانند) ختم می شود.

در واقع در این اثر هنری، دو نوع سیمرغ همزمان به نمایش درآمده است. سیمرغ بزرگ تر بصورت کاملاً دایره ای ترکیبی از سگ، پرنده و طاووس.

این سیمرغ می تواند زیر مجموعه ای از گروه اول باشد. نوع دوم که کوچک تر از سیمرغ مرکزی است دارای دم پوشیده از متیف های پر مانند است. طاووس و بویژه شکل دم آن به لحاظ زیبایی و تلون رنگ و همچنین مفاهیم نمادپردازانه آن، جایگاه والایی در ادبیات و داستان های افسانه ای، تخیلی و اسطوره ای در هنر اسلامی دارد، به گونه ای که در بسیاری از آثار هنری تصویرسازی دست نوشته ها و کتب علمی، ادبی و مذهبی و نگاره های دوران مختلف حامل این نقش می باشند.

در یکی از تصاویر کتاب "عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات" موجودی افسانه ای (هارپی) طراحی شده که پرنده ای است دارای سر انسان و دم طاووس (تصویر ۱۶). فرم دم وی نیز قابل مقایسه با دم سیمرغ ساسانی در برخی از نقوش آن دوره است (مقایسه کنید با تصویر ۸).

از سوی دیگر، در هنر اسلامی و بطور خاص نگارگری، مرکوب حضرت محمد (ص)، یعنی براق، در تعداد زیادی از آثار دارای دم الهام گرفته از شکل دم طاووس سیمرغ ساسانی است (تصویر ۱۷).

"براق، در اعتقادات مسلمانان، موجودی است که پیامبر بر روی آن سوار شده و به سوی آسمان رفته است (معراج حضرت محمد (ص)). در حقیقت، کتاب مقدس از یک حیوان صحبتی به میان نمی آورد، بلکه این مسلمانان بودند که به آن صورتی دیگر بخشیدند و

با اضافه کردن برخی از جزئیات دقیق، او را توصیف نمودند. ابن عشاق، می خواست سرعت خارق العاده ای را شرح دهد که پیامبر از زمین به آسمان عروج نمود و بنابراین براق را جانوری با پاهای بالدار شرح می دهد؛ برعکس، در مجموعه احادیث، طبری از یک اسب صحبت به میان می آورد. برخی دیگر براق را اینگونه توصیف نموده اند: حیوانی برنگ سفید، نیمی از بدن همچون بدن خریا قاطر نر، با چهره انسانی همچون دختر جوان زیبا و گوش های بلند و یال های پرپشت، و دارای زین و دهنه مزین به سنگ ها و فلزات قیمتی (BERT, ۱۲۷, ۲۰۰۰).

گروه دوم

دومین گونه سیمرغ تقریباً مشابه گروه اول است ولی با این تفاوت که در دم طاووس آنها عناصر تزیینی دیگر از جمله نقوش گیاهی و فرم های تجریدی نیز اضافه شده است. یک سینی متعلق به قرن هفتم میلادی، نقش سیمرغی خارق العاده و شگفت انگیزی را به نمایش گذاشته که یکی از بهترین نمونه های این گروه است (تصویر ۱۸). دم او بوسیله دو نقش گیاهی (غنچه مانند) که با خطوط پیچان دایره ای شکل به هم و به بدن وصل شده اند، تزیین شده است. در انتهای این فرم پیچشی نیز فرم گیاهی دیگری قرار گرفته است. این نقوش بسیار به فرم های آرا بسک نزدیک هستند. با اضافه اینکه، طرح های گیاهی که در قسمت های دیگر بدن سیمرغ بکار رفته اند در هماهنگی کاملاً ظریف و استادانه ای با آنها هستند، نقوشی که در زیر دم و بدن و در دهان سیمرغ قرار گرفته اند.

گروه سوم

سومین گروه سیمرغی را به نمایش می‌گذارد که دارای ظاهری متفاوت با دیگران است و مشخصات کامل پرندگان را دارد؛ موجودی در نگاه اول همانند عقاب که نقوش منحنی شکل منتهی به نوک گرد اسپیرالی شکل تکثیر شده بر روی سرش مشابه آنچه است که بر روی سر طاووس دیده می‌شود. این نقوش در سه بخش از بدن به‌کار برده شده است: سر، بال و دم. سیمرغی با دم بسیار زیبا و شگفتانگیز که به نحو بسیار عالی با قسمت های دیگر بدن هماهنگی و هارمونی یافته است (تصویر ۱۹).



تصویر ۱۵- سینی هشت ضلعی سیمین طلاکاری شده با نقوش سیمرغ، شمال غربی ایران، قرن دهم میلادی، موزه هنر اسلامی برلین. ماخذ: (پوپ، ۱۳۳۸، ۲۵۶)



تصویر ۱۶- هشت بروج فلکی، نسخه کپی "عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات"، القزوينی (۱۲۳۸ میلادی)، مغول قرن هفدهم میلادی. ماخذ: <http://www.Islamic.com/Medical-Manuscripts/Natural-History4.htm>



تصویر ۱۷- معراج حضرت محمد (ص)، براق با دم طاووس، نگاره ایرانی، قرن چهاردهم میلادی، کتابخانه ملی پاریس. ماخذ: <http://www.bnpp.fr/gallica>

گروه چهارم

چهارمین مدل، دم طاووسی را نشان می‌دهد که نقوش پر مانند با طراحی بسیار ظریف، در کنار هم تکرار شده و فضای دم را اشباع نموده اند و همانند شعله های سرکش آتش نیز می‌باشند. (تصویر ۲۰). این نقش (پرمانند) در بخش بالایی پای جانور در شکلی تقریباً دایره ای قرار گرفته و آنجا را نیز تزیین نموده اند، درست در جایی که بال به پای حیوان وصل می‌گردد. سر سگ، بدن و بال شیر، بال عقاب، دم طاووس و پوشش بدن بوسیله شکل های فلس مانند ماهی قسمت های تشکیل دهنده بدن این سیمرغ هستند.

این شیوه طراحی دم بر روی آبدانی متعلق به قرن هفتم میلادی نیز دیده می‌شود، البته با این تفاوت که پره های دم طاووس در اینجا کشیده تر هستند (تصویر ۲۱). در اینجا سر شتر جایگزین سر سگ گردیده و فرم کلی سیمرغ از دایره تبعیت می‌کند. همانند تصویر قبلی، پرها قسمت پایینی بال را تزیین نموده و در هماهنگی با دم و اتصال کامل با آن است.

سیمرغ ساسانی به کشورهای شرقی نیز هم مهاجرت نموده و بر هنر آنها تأثیر گذاشته است. هنر چین هم از این تأثیرات بدور نبوده است. تعدادی از آثار هنری چین از سیمرغ ساسانی بهره برده اند.

یک بطری مخصوص زیارت متعلق به سلسله سوئی (SUI) تصویر زیبایی از سیمرغ را بر روی خود به صورت برجسته کاری نگهداری می‌کند. سیمرغی بر روی دو پا ایستاده (یا در حال راه رفتن) در حالیکه ساقه گیاهی را در منقار خود دارد. ظاهر او هم در وهله اول شبیه پرنده است یا بطور دقیق همانند عقاب، با آنکه دارای دو پای سگ است (تصویر ۲۲). دم وی به گونه‌ای است که می‌توان او را در زیر مجموعه این گروه قرار داد. همانطوری که سیمرغ نقش بسته بر روی پلاک مرمرین متعلق بدوره بیزانس را نیز بایستی از زیر گروه های این دسته دانست (تصویر ۲۳).



تصویر ۱۹- سینی سیمین با نقش سیمرغ ساسانی، قرن پنجم میلادی، موزه رضا عباسی.

تصویر ۱۸- سینی تخت نقره ای و طلا با نقش سیمرغ ساسانی، قرن هفتم میلادی، موزه بریتانیا، لندن.

ماخذ: <http://www.Simurgh-wikipedia>



تصویر ۲۲- ظرف زائین از نوع بیانهو، چین، سلسله سویی، قرن ششم و هفتم میلادی، موزه برلین.
ماخذ: (Bushell, 1910, 135)



تصویر ۲۰- سینی سیمین طلا کاری شده با نقش سیمرغ، قرن هشتم میلادی، موزه ارمیتاژ.
ماخذ: (پوپ، ۱۳۳۸، ۲۷۰-۲۵۲)



تصویر ۲۳- پلاک با نقش سیمرغ ساسانی، قرن یازدهم میلادی، کنستانتینوپل، موزه قرون وسطی، پاریس.
ماخذ: (Cassou, 1977, 370)



تصویر ۲۱- آبدان سیمین طلا کاری شده، نقش سیمرغ با سر شتر، قرن هفتم و هشتم میلادی، موزه ارمیتاژ.
ماخذ: (پوپ، ۱۳۳۸، ۲۷۰-۲۵۲)

نتیجه گیری

(در برخی موارد، شتر، شیر و عقاب)، بدن و پاهای شیر یا سگ، بال‌هایی از جنس پر شبیه عقاب و دم طاووس.
می‌توان شیوه‌ای از طبقه بندی سیمرغ را پیشنهاد نمود که براساس دم طاووس سیمرغ بنا شده است. مطابق تصاویری که در این مقاله ارائه شده، می‌توان چهار گروه پیشنهاد کرد. به نظر می‌رسد که اولین گروه از سیمرغ‌های این طبقه بندی، بسیار گسترده تر استفاده شده و دارای کاربرد بیشتری نسبت به بقیه گروه‌ها بوده است. محبوبیت و تأثیرگذاری سیمرغ ساسانی در دوره ساسانی و در ادوار بعد از آن، برهنر اسلامی، بیزانسی و مسیحی با توجه به آثار بدست آمده بسیار بارز و غیر قابل انکار است.

شخصیت در نظر گرفته شده برای سیمرغ ساسانی بسیار متمایز و دارای هویت است به نحوی که می‌توان او را در بین دیگر موجودات افسانه‌ای دیگر مشخص نمود. به کمک همین خصوصیات فیزیکی، زیبایی شناسانه و اشرافی و همچنین مصنوعات هنری گرانبهایی که سیمرغ بر روی آن نقش بسته (پارچه ابریشمی، ظروف سیمین طلاکاری شده و غیره)، این تصویر در بین سرزمین‌های خارج از مرزهای ساسانی بسیار محبوب و ارزشمند می‌شود. این مهاجرت و تأثیرگذاری، بیشتر بر اثر تبادلات فرهنگی، تجاری و ارسال هدایای سلطنتی صورت پذیرفته است. سیمرغ ساسانی خود را از سیمرغی که در ادبیات فارسی و داستان‌های افسانه‌ای توصیف شده، متمایز می‌کند. ترکیب بدنی سیمرغ ساسانی بسیار قابل توجه است: سر سگ

پی‌نوشت

- ۱ بین و یانگ: "YIN", "YANG" در مکتب فلسفی چین، تضاد دیالکتیکی بین دو اصل حقیقت است. بین: سمبل زنانگی، سایه تاریکی، زمین... و یانگ: نما د مردانگی، نور، فعالیت، آسمان
- ۲ هلاکو (۱۲۶۵-۱۲۱۷ میلادی)، اولین شاهزاده مغول ایران، نوه چنگیزخان و کسی که عباسیان را در بغداد سرنگون نمود.
- ۳ وفات سال ۷۹۸ میلادی، در رابطه با راهبه بئاتوس اطلاع کمی در دست است، برخی اعتقاد دارند که او از تبیک اندلس بدلیل اشغال کشورش توسط اعراب فرار نموده بود ولی هیچ مدرکی این را تأیید نمی‌کند. در هر صورت او احتمالاً کشیش دیر سانتا توریبلو لیبانا شده بود. جایی که او تفسیر آپوکالیپس را به رشته تحریر درآورد و به بئاتوس دو لیبانا مشهور گردید و بعدها کپی بسیاری از آن صورت گرفت (<http://www.cosmovisions.com/Beatus.htm>).

فهرست منابع

- پوپ ارتور، ایهام (۱۳۳۸)، شاهکارهای هنر ایران، اقتباس دکتر پرویز خانلری، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه، تهران.
تالیوت رایس، دیوید (۱۳۸۶)، هنر اسلامی، ترجمه ماه ملک بهار، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
یاحقی، محمد جعفر (۱۳۷۵)، فرهنگ اساطیری و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، انتشارات سروش، تهران.

- BALTRUSAITIS Jurgis (1981), Le Moyen âge fantastique, éditions Flammarion, Paris.
Beatus de Liebana (2003), éditions Molerio, Barcelone, Espagne.
BERTI Giordano (2000), Les mondes de l'Au-delà, éditions Gründ, Paris.
BUSHELL S. W. (1910), L'Art chinois, Paris.
DOUET D'ARCQ L. (1851), Comptes de l'argenterie des rois de France, Paris.
EBERSOLT J. (1929), Orient et Occident, II, Paris.
Fray Richard N. (1996), L'Age doré de la Perse, éditions Soroush, Téhéran.
GRABAR O. (1967), L'argent sassanide, Anne Arbor.
JULIEN Nadia (1989), Dictionnaire des symboles, éditions Marabout, Belgique.
Les Perses Sassanides (septembre- décembre 2006), Fastes d'un empire oublié, Musée Cernuschi, Paris.
MODE Heinz (1977), Démons et Animaux fantastiques, éditions Leipzig, Allemagne.
STEPHENSON J. (1928), The Zoological Section of Nuzhatu-l-Qulub, Londres.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی